گزارش یک

عرب‌ها در میزبانی پایگاه‌های امریکا بازنگری می‌کنند

امریکا با پنهان شدن در پس ادعای تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس، آتش جنگ با ایران را شعله‌ور کرد. حالا اما، با گذشت کمتر از شش ماه، صداهایی به گوش می‌رسد که تأیید می‌کند کشورهای حاشیه خلیج فارس، تجدیدنظر در مسیر تأمین امنیت خود را در دستور کار قرار داده‌اند. گزارش جدید واشینگتن‌پست به ویژه بر این نکته تأکید دارد که سران شماری از کشورهای عربی به دلیل نارضایتی از عملکرد ترامپ، چرایی لزوم میزبانی از پایگاه‌های امریکا در آینده را مدنظر قرار داده‌اند.

کاخ سفید همچنان تأکید دارد که به رغم زیر ضرب رفتن پایگاه‌های امریکا در منطقه غرب آسیا، روابط استثنایی دونالد ترامپ با همه شرکای خود در خلیج فارس ادامه دارد و پافشاری می‌کند که ایران بیش از هر زمان دیگری منزوی شده است. اما شواهد می‌گویند که در پی تجاوز امریکایی- صهیونیستی به ایران و به آتش کشیده شدن دارایی‌های راهبردی ایالات متحده در پایگاه‌هایش در منطقه، نه‌تنها نتیجه مدنظر امریکایی‌ها را نداشته، بلکه موجودیت این پایگاه‌ها و اثرات آنها بر امنیت داخلی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، زیر سؤال رفته است. واشینگتن‌پست در ماه می(اردیبهشت) اذعان کرده بود که به دنبال حملات ایران، دست‌کم ۲۲۸ ساختمان یا قطعه تجهیزات در ۱۵ پایگاه امریکا آسیب دیده یا نابود شده است؛ این آسیب‌ها خود به بحث درباره بازگشت یا عدم بازگشت کامل نیروها به برخی تأسیسات دامن زده است. این روزنامه امریکایی، به تازگی با اشاره به اینکه حس ناامیدی در میان متحدان ترامپ در خلیج فارس حاکم است، به موضوع آینده پایگاه‌های امریکا در منطقه پرداخت و نوشت: «رهبران این کشورها احساس می‌کنند که رئیس‌جمهور (امریکا) دیگر قادر به مدیریت دیپلماسی لازم برای دستیابی به صلح با ایران نیست.» در این مورد، سه مقام و یک دیپلمات سابق امریکایی به واشینگتن‌پست گفتند که دولت‌های عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین در نارضایتی خود از دولت امریکا متحد هستند و برخی از این کشورها بحث در مورد امکان‌سنجی ادامه میزبانی پایگاه‌های نظامی بزرگ ایالات متحده در خاک خود را آغاز کرده‌اند. یکی از مقامات این کشورها معتقد است: «ترامپ این جنگ را آغاز کرد و ما بهای آن را می‌پردازیم.» این مقام افزود که خشم نسبت به ایالات متحده از زمان حمله امریکا و اسرائیل به ایران در ماه فوریه به اوج خود رسیده است.

■ ترتیبات امنیتی مستقل از امریکا

واشینگتن‌پست نوشته که، اگرچه کشورهای خلیج فارس هنوز به واشینگتن به عنوان یک شریک امنیتی نزدیک و یک تأمین‌کننده اصلی سلاح متکی هستند و قطر و بحرین میزبان پایگاه‌های بزرگ امریکایی هستند، اما این ناامیدی، برخی از کشورها را به بررسی ترتیبات جدید واداشته است. تحلیلگران معتقدند که بعید است این تحولات در کوتاه‌مدت تغییر اساسی در منطقه ایجاد کند، اما برخی از کشورها از قبل شروع به بررسی گزینه‌های خود کرده‌اند. یک مقام ارشد اروپایی اظهار داشت که توافقنامه دفاعی مشترک که هفته گذشته توسط عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان امضا شد، «پیامی به ایالات متحده» بود. این مقام که مرتباً با رهبران خلیج فارس در تماس است، توضیح داد که این توافق نشان می‌دهد «سه کشور قدرتمند سنی به دنبال تنوع بخشیدن به مشارکت‌های امنیتی و دفاعی خود هستند» و افزود: «آنها می‌بینند که ایالات متحده به تنهایی کافی نیست.» فرید زکریا، تحلیلگر سرشناس امریکایی، در یادداشتی در روزنامه واشینگتن‌پست، جنگ ایران را نمونه‌ای از هدر دادن اعتبار یک ابرقدرت توصیف کرده و معتقد است سیاست‌های ترامپ موجب شده متحدان امریکا بیش از گذشته به فکر ایجاد ترتیبات امنیتی مستقل از واشینگتن باشند. زکریا با اشاره به توافق دفاعی مشترک مکه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان می‌نویسد این توافق میان کشورهایی شکل گرفته که برخی از آنها در سال‌های گذشته رقبای جدی یکدیگر بوده‌اند. به اعتقاد او، عامل مهم نزدیک شدن این کشورها، کاهش اعتماد به ترامپ و وعده‌های اوست. این نویسنده امریکایی تأکید می‌کند جنگ ایران نشان داده است چگونه یک ابرقدرت می‌تواند اعتبار خود را هدر دهد. او به اظهارات مکرر ترامپ درباره نزدیک بودن توافق با تهران اشاره می‌کند و می‌نویسد تا اواسط ژوئن، دست‌کم ۳۸ بار اعلام شده بود که توافق با ایران نزدیک است، اما یک منبع ایرانی اخیراً به رویترز گفته مذاکرات «به‌هیچ‌وجه پیشرفتی نداشته است.»

■ زیر سؤال رفتن حضور شر ضروری

در حال حاضر، شواهد بیشتر می‌گویند کشورهای عربی در حال محاسبه مجدد خطر حضور امریکا در منطقه هستند و این یعنی حفظ رابطه، اما با احتیاط بیشتر، محدودسازی موقت، و حساسیت بالاتر نسبت به استفاده تهاجمی از پایگاه‌ها. جنگی که قرار بود امنیت خلیج فارس را تضمین کند، حالا کشورهای خلیج فارس را وادار کرده درباره تضمین‌کننده امنیت خود تجدیدنظر کنند. فیراس مکساد، مدیر غرب آسیا و شمال آفریقا در گروه اوراسیا، بر این باور است: «از همان ابتدا ناامیدی وجود داشت که متحدان امریکا در خلیج فارس احساس می‌کنند که بی‌جهت وارد جنگی شده‌اند که ترامپ اکنون برای حل آن تلاش می‌کند.» مکساد که روابط گسترده‌ای با محافل تصمیم‌گیرنده خلیج فارس دارد، به این نکته اشاره دارد که سیاست ترامپ در قبال ایران در منطقه «بی‌ثبات» و «غیرقابل‌پیش‌بینی» است. آنا جیکوبز، محقق مؤسسه کشورهای عربی خلیج فارس در واشینگتن، هم تأکید دارد که از آغاز جنگ، اعتماد به ایالات متحده کاهش یافته است. یک دیپلمات غربی در منطقه اظهار داشت که این تغییرات نشان‌دهنده تغییر اساسی در احساسات نسبت به ایالات متحده نیست. او افزود که حتی قبل از جنگ با ایران، از نیروهای امریکایی در منطقه «به گرمی» استقبال نشد. این دیپلمات ادامه داد: «وجود آن مانند یک شر ضروری بود، اما اکنون اهمیت وجود آن زیر سؤال رفته است.»

■ تردید در محافل داخلی امریکا

از طرفی، گزارش CRS کنگره امریکا در ژوئن تصریح کرده که امریکا هنوز درباره حفظ، گسترش یا کاهش حضورش در خلیج، تصمیم روشنی اعلام نکرده و آینده پایگاه‌ها می‌تواند تحت تأثیر هزینه‌های میزبانی، تهدید ایران و برداشت کشورهای میزبان از منافع و هزینه‌های حضور امریکا قرار گیرد. همچنین، شورای روابط خارجی امریکا نیز در همان ماه بر این تأکید دارد که جنگ ایران، آسیب‌پذیری جغرافیایی پایگاه‌های امریکا در خلیج را آشکار کرده و باید جدی درباره انتقال نیروها به نقاط دورتر از برد موشک‌های ایران فکر کرد. یعنی حتی در داخل محافل سیاستگذاری امریکا، بحث «تغییر آرایش پایگاه‌ها» جدی شده است. مسئله دیگر این نیست که امریکا از خلیج خارج می‌شود یا نه؛ مسئله این است که حتی اگر امریکا بماند، آیا کشورهای خلیج همچنان حاضرند امنیت خود را مثل قبل به آن بسپارند؟

چالش

جازان زیر آتش مداوم انصارالله یمن

حملات موشکی و پهپادی انصارالله دیروز هم جازان را در جنوب عربستان هدف گرفت؛ ضرباتی که این بار در فاصله کوتاهی از حملات قبلی به زیرساخت‌های سعودی و در میانه تشدید تنش در جبهه یمن، پیام روشنی درباره تداوم راهبرد «محاصره در برابر محاصره» صنعا به ریاض مخابره می‌کند.

نیروهای مسلح یمن روز یک‌شنبه با چند فروند موشک بالستیک و پهپاد، اهدافی را در استان جازان در جنوب عربستان هدف قرار داده‌اند. منابع سعودی از وقوع وضعیت هشدار در منطقه خبر داده‌اند، هرچند جزئیات دقیق درباره اهداف اصابت‌شده و میزان خسارت این حمله هنوز به‌طور مستقل تأیید نشده است.

این حمله در شرایطی انجام می‌شود که جازان طی هفته‌های اخیر به یکی از نقاط حساس رویارویی مستقیم میان انصارالله و عربستان تبدیل شده است. در حمله ۱۳اوت، انصارالله اعلام کرد دو پهپاد را به سمت پالایشگاه آرامکو در جازان فرستاده است؛ حمله‌ای که ریاض در زمان انتشار گزارش رویترز هنوز به‌طور رسمی درباره آن اظهار نظر نکرده بود، ولی انتشار تصاویری تازه از خسارات حمله انصارالله به بندر مهم مخا، نشانه افزایش دقت ضربات یمنی‌ها به عربستان است.

اهمیت جازان فقط به موقعیت مرزی آن با یمن محدود نمی‌شود. پالایشگاه جازان با ظرفیت حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز، یکی از تأسیسات مهم نفتی عربستان است و حمله پیشین به این مجموعه نیز بنا بر گزارش‌های صنعتی، به بخش‌هایی از مجتمع گازسازی و مخازن نفت آسیب زده و موجب توقف فعالیت پالایشگاه شده بود.

حملات روز یک‌شنبه در امتداد روندی قرار می‌گیرد که از چند هفته قبل دامنه آن از جبهه‌های زمینی یمن به زیرساخت‌های انرژی و مسیرهای دریایی سعودی کشیده شده و ناظران می‌گویند که هدف‌گیری جازان را باید در چارچوب بزرگ‌تر فشار اقتصادی و انرژی بر عربستان دید. رویترز گزارش داده که پس از اعلام «تحریم دریایی» علیه کشتی‌های مرتبط با عربستان از سوی انصارالله در ۲۰ ژوئیه، برخی نفتکش‌های سعودی در دریای سرخ برای کاهش خطر حمله، سامانه‌های رهگیری خود را خاموش کرده‌اند و بخش قابل توجهی از بارگیری‌های ساحل غربی عربستان به‌صورت موسوم به «ناوگان تاریک» انجام می‌شود. به این ترتیب، انصارالله در حال تبدیل آسیب‌پذیری جغرافیایی جنوب عربستان به هزینه اقتصادی برای ریاض است.

این روند در کنار حملات به مواضع نیروهای همسو با عربستان در مأرب و المخا، نشان می‌دهد معادله جدید یمن صرفاً به تبادل آتش در مرزهای دو کشور محدود نمانده است. خبرگزاری رسمی یمن NDV,C به نقل از یک منبع نظامی خبر داد نیروهای مسلح این کشور باز هم خسارات سنگینی به مزدوران عربستان سعودی وارد کردند. این منبع می‌گوید نیروهای مسلح یمن در جریان حملات پهپادی و موشکی، محل تجمع مزدوران سعودی را در منطقه المخا و استان مأرب هدف قرار دادند.

حمله کی‌یف با ۶۰۰ پهپاد به مسکو پاسخ روسیه با ضربه به زیرساخت‌های اوکراین

اوکراین با شلیک ۶۰۰ پهپاد، یکی از بزرگ‌ترین حملات خود به عمق خاک روسیه را رقم زد و همزمان، روس‌ها با ترکیب پهپاد و موشک به کی‌یف و مراکز صنعتی و انرژی اوکراین حمله کردند؛ حملاتی که نشان می‌دهد نبرد از خطوط مقدم فاصله گرفته و به عمق خاک دو کشور کشیده شده است.

سرگئی سوبیانین، شهردار مسکو اعلام کرد که در حمله گسترده بامداد یک‌شنبه، اوکراین حدود ۶۰۰ پهپاد به سمت پایتخت روسیه پرتاب کرده که ۲۰۱ فروند از آنها در نزدیکی مسکو سرنگون شده‌اند. حملات دست‌کم یک کشته در منطقه مسکو و چند زخمی برجای گذاشت و یک انبار بزرگ شرکت فروش اینترنتی Wildberries در پودولسک نیز دچار آتش‌سوزی شد. این حمله در ادامه تغییر الگوی عملیات اوکراین انجام شده، به‌خصوص که اوکراین تاکنون هفت مورد از ۱۰ مرکز لجستیکی بزرگ شرکت Wildberries را از کار انداخته است. کی‌یف در ماه‌های اخیر تلاش کرده به جای تمرکز صرف بر اهداف نظامی نزدیک جبهه، زنجیره لجستیکی، صنایع، پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی روسیه را در فاصله صدها کیلومتری میدان نبرد هدف قرار دهد.

همزمان، مسکو نیز موج تازه‌ای از حملات را علیه اوکراین اجرا کرد. وزارت دفاع روسیه از حمله به تأسیسات صنایع نظامی در کی‌یف، پالایشگاه کرمنچوک و مجتمع متالورژی کریوی‌ریه خبر داد؛ تأسیساتی که مسکو آنها را مرتبط با تولید سوخت، تجهیزات و تسلیحات می‌داند. در کی‌یف نیز انفجارها و آتش‌سوزی‌هایی گزارش شد و حملات روسیه در مناطق دیگری از اوکراین قربانی و زخمی بر جای گذاشت.

با شدت گرفتن حملات به عمق خاک و زیرساخت‌ها، دوطرف در حال آزمودن یکدیگر با جنگ فرسایشی در عمق هستند. روسیه می‌کوشد توان صنعتی، انرژی و دفاع هوایی اوکراین را فرسوده کند و کی‌یف تلاش دارد با انتقال هزینه جنگ به قلب روسیه، ظرفیت لجستیکی و اقتصادی مسکو و احساس امنیت در داخل این کشور را هدف بگیرد. کمبود رهگیرهای پاتریوت در اوکراین، این روند را حساس‌تر کرده است. فایننشال تایمز گزارش کرده که در حملات اخیر حتی برخی موشک‌های بالستیک روسیه رهگیری نشده‌اند و کی‌یف برای زمستان آینده دست‌کم به ۳۰۰ رهگیر اضافی نیاز دارد.

گزارش ۲

درد اسرائیلی از ضربات حزب‌الله در «علی‌الطاهر»

پس از ضربات رزمندگان حزب‌الله به نظامیان صهیونیست در ارتفاعات راهبردی علی‌الطاهر که پیشروی اشغالگران را ناکام گذاشت، ارتش اسرائیل برای جبران این ناکامی، حملات گسترده‌ای به این منطقه انجام داد؛ اقدامی که با هدف تضعیف مواضع حزب‌الله و فراهم کردن زمینه برای تلاش‌های مجدد جهت نفوذ صورت گرفته است. حتی گزارش‌هایی درباره استفاده صهیونیست‌ها از بمب‌های فسفری در این حملات منتشر شده که نشان می‌دهد اشغالگران از ضربات اخیر مقاومت به‌شدت دردشان گرفته است.

در حالی که مقامات لبنان حملات رژیم صهیونیستی را نقض آشکار توافق آتش‌بس می‌دانند و خواستار توقف آن هستند، ارتش اسرائیل دور تازه‌ای از حملات گسترده در مناطق جنوبی لبنان را آغاز کرده است. در درگیری‌های اخیر که از روز جمعه شروع شده، منطقه راهبردی علی‌الطاهر به یکی از اهداف اصلی ارتش اسرائیل تبدیل شده است.

شبکه المیادین روز یک‌شنبه اعلام کرد: جنگنده‌های رژیم صهیونیستی دست به چند حمله هوایی زدند و منطقه واقع میان ارتفاعات علی‌الطاهر و الدبشه در شهرستان النبطیه در جنوب لبنان را هدف قرار دادند. نیروهای ارتش صهیونیستی همچنین با استفاده از تیربار، منطقه علی‌الطاهر را زیر آتش گرفته و اقدام به تیراندازی و جست‌وجوی منطقه کردند. یگان توپخانه ارتش اسرائیل نیز علی‌الطاهر را با گلوله‌های فسفری هدف قرار داده است.

این حملات گسترده پس از آن انجام شد که رزمندگان حزب‌الله بامداد شنبه، تلاش نظامیان اشغالگر برای نفوذ به منطقه علی‌الطاهر را ناکام گذاشته و ضربات سنگینی به آنها وارد کردند که در پی آن شماری از نظامیان صهیونیست به‌شدت زخمی شدند. شدت حملات جدید اسرائیل نشان می‌دهد ضربات نیروهای مقاومت برای اشغالگران سنگین بوده و آنها اکنون به دنبال جبران این ناکامی هستند.

در تأیید این موضوع، کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی دیروز اعلام کرد: «ارتش در واکنش به زخمی شدن سه نظامی اسرائیلی، حملات سنگین و گسترده‌ای را علیه ارتفاعات علی‌الطاهر آغاز کرده است». به نظر می‌رسد ارتش اسرائیل با تشدید حملات هوایی به دنبال تضعیف مواضع حزب‌الله و فراهم کردن زمینه برای پیشروی دوباره در این منطقه راهبردی است.

با توجه به برقراری آتش‌بس شکننده، ارتش اسرائیل تصور می‌کرد با استفاده از این فرصت می‌تواند به راحتی علی‌الطاهر را تصرف کند، اما گزارش رسانه‌های عبری نشان می‌دهد سران تل‌آویو انتظار چنین واکنش شدیدی را از سوی حزب‌الله در این منطقه نداشتند.

کانال ۱۳ اسرائیل دیروز گزارش داد: «کسی که تصمیم به حرکت در منطقه علی‌الطاهر گرفت باید می‌دانست که حزب‌الله پاسخ خواهد داد. بار دیگر همانند ماجرای بمب انفجاری مرگبار، نخست‌وزیر و ارتش مدعی هستند که حزب‌الله آتش‌بس را نقض کرده است، اما روند وقایع این است که اسرائیل در علی‌الطاهر فعالیت می‌کند و حزب‌الله این اقدام را نقض آتش‌بس می‌داند و در پاسخ، یک پهپاد بمب‌گذاری شده ارسال کرده است».

اگرچه سران تل‌آویو می‌خواهند به هر نحو ممکن کنترل این منطقه راهبردی را به دست بگیرند، اما تلویزیون العربی گزارش داد که ارزیابی‌های نظامی نشان می‌دهد هرگونه عملیات اسرائیل برای تصرف ارتفاعات علی‌الطاهر می‌تواند طولانی و پیچیده باشد، به ویژه با توجه به آمادگی گزارش‌شده حزب‌الله برای جلوگیری از سقوط این مکان.

■ اهمیت استراتژیک علی‌الطاهر

اینکه چرا ارتش صهیونیستی به دنبال تصرف علی‌الطاهر است، به موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی این منطقه بازمی‌گردد. این تپه‌ها در حومه نبطیه الفوقا، در شمال رودخانه لیطانی واقع شده‌اند و بر منطقه نبطیه، منطقه اقلیم التفاح، دره لیطانی و محور خردلی مشرف هستند و به آنها اهمیت قابل توجهی برای نظارت و مشاهده مسیرهای حرکت در منطقه می‌دهند. اهمیت این مکان نه تنها از ارتفاع آن ناشی می‌شود، بلکه طبق ارزیابی‌های نظامی، از سیستم دفاعی که حزب‌الله از زمان عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ در این منطقه ایجاد کرده، نیز ناشی می‌شود. پرونده علی‌الطاهر فراتر از بعد نظامی است و به موضوعی محوری در روند سیاسی و مذاکره تبدیل شده است.

به همین دلیل تل‌آویو تلاش می‌کند با تسلط بر این منطقه، در مذاکرات دست بالاتری پیدا کرده و امتیازات بیشتری از دولت لبنان بگیرد. اما حزب‌الله که خود را ضامن امنیت لبنان می‌داند، تاکنون اجازه نداده این ارتفاعات به کنترل اشغالگران درآید و رزمندگان مقاومت در دو روز گذشته نیز برای دفاع از این منطقه جانفشانی کرده‌اند.

نگاه

داریوش دادگر

«پیمان مکه» روی کاغذ می‌ماند

خاورمیانه ۱۰ روز پیش بار دیگر شاهد تولد یک پیمان امنیتی تازه بود؛ توافقی میان عربستان، ترکیه و پاکستان که از همان روز نخست به دلیل اصل «حمله به یکی، حمله به همه» با ناتو مقایسه شد. اما «پیمان مکه» را نباید تنها یک ائتلاف نظامی جدید دانست. پشت این توافق، مجموعه‌ای از محاسبات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی قرار دارد و شاید مهم‌ترین پرسش درباره آن این باشد که آیا این سه قدرت واقعاً آماده‌اند برای دفاع از یکدیگر وارد جنگ شوند، یا اینکه پیمان مکه بیشتر ابزاری برای بازدارندگی و نمایش قدرت است. انگیزه اصلی این توافق را باید در نگرانی‌های امنیتی عربستان جست‌وجو کرد. ریاض طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار صرف خرید تسلیحات پیشرفته کرده، اما حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها نشان داد که برخورداری از تجهیزات مدرن لزوماً به معنای امنیت نیست. عربستان اکنون می‌خواهد بخشی از امنیت خود را در داخل منطقه تولید کند و تنها به تضمین‌های واشینگتن وابسته نباشد. پیمان مکه از این منظر، بیش از آنکه اعلام آمادگی برای جنگ باشد، تلاشی برای افزایش هزینه هرگونه حمله به عربستان است.

ترکیه و پاکستان نیز با انگیزه‌های خاص خود وارد این معادله شده‌اند. آنکارا در سال‌های اخیر تلاش کرده است خود را از یک بازیگر صرفاً وابسته به ساختار امنیتی غرب به یکی از قطب‌های مستقل قدرت در جهان اسلام تبدیل کند. ترکیه هم عضو ناتو است و هم صنایع دفاعی آن به سرعت در حال توسعه است. پاکستان نیز یک قدرت هسته‌ای مسلمان با ارتشی بزرگ و تجربه طولانی در بازدارندگی است. در نتیجه، هر یک چیزی برای عرضه دارند: عربستان منابع مالی و وزن اقتصادی و ژئوپلیتیکی، ترکیه توان نظامی و فناوری دفاعی، و پاکستان ظرفیت نظامی و بازدارندگی هسته‌ای. هر سه کشور تأکید کرده‌اند که توافق علیه کشور خاصی نیست و ماهیتی دفاعی دارد، اما در سیاست خاورمیانه همیشه لازم نیست نام دشمن در متن پیمان نوشته شود. شکل‌گیری این اتحاد در شرایطی که ایران از طریق شبکه‌ای از بازیگران همسو نفوذ منطقه‌ای قابل توجهی دارد، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن تهران تحلیل شود. از نگاه ریاض، پیمان مکه می‌تواند بخشی از تلاش برای مهار همین شبکه نفوذ باشد.

اما درست در همین نقطه، ضعف اصلی پیمان آشکار می‌شود. یک ائتلاف نظامی واقعی زمانی اعتبار دارد که اعضای آن بدانند در چه شرایطی باید برای یکدیگر بجنگند. اگر فردا انصارالله در دفاع از خود به تأسیسات نفتی عربستان حمله کند، آیا ترکیه وارد جنگ خواهد شد؟ آیا پاکستان نیروی نظامی اعزام خواهد کرد؟ و اگر ترکیه در سوریه یا عراق با بحران امنیتی روبه‌رو شود، آیا ریاض حاضر است هزینه رویارویی با تهران را بپردازد؟ پاسخ این پرسش‌ها هنوز روشن نیست. حتی نخستین آزمون پیمان نیز خیلی زود از راه رسید. تنها دو روز پس از امضای توافق، انصارالله مسئولیت حمله پهپادی به تأسیسات آرامکو در جازان عربستان را بر عهده گرفت. فارغ از ابعاد نظامی حمله، اهمیت سیاسی آن در این بود که پیمان مکه تقریباً بلافاصله با یک حمله علیه یکی از اعضای خود مواجه شد، اما خبری از واکنش نظامی مشترک ترکیه و پاکستان منتشر نشد. این اتفاق نشان می‌دهد که فاصله میان «تعهد دفاعی» روی کاغذ و اقدام نظامی در میدان هنوز بسیار زیاد است. ماجرای مصر نیز ماهیت سیاسی پیمان را آشکارتر می‌کند. اگر قرار باشد توافق مکه به یک معماری امنیتی بزرگ برای جهان اسلام یا خاورمیانه تبدیل شود، کنار ماندن اولیه مصر قابل توجه است. قاهره یکی از بزرگ‌ترین کشورهای منطقه است که جایگاهی استراتژیک در دریای سرخ و کانال سوئز دارد. اما عربستان با حضور اولیه مصر مخالفت کرد، در حالی که ترکیه از مشارکت قاهره حمایت می‌کرد. این اختلاف نشان می‌دهد که پیمان مکه علاوه بر همکاری دفاعی، صحنه‌ای برای رقابت بر سر رهبری نظم جدید منطقه نیز هست.

پیمان مکه در حال حاضر بیشتر یک ائتلاف سیاسی-امنیتی برای نمایش قدرت و ایجاد بازدارندگی است تا یک ماشین جنگی واقعی. عربستان می‌خواهد نشان دهد تنها نیست، ترکیه می‌خواهد جایگاه خود را در معماری امنیتی جدید منطقه تثبیت کند و پاکستان می‌خواهد وزن خود را در جهان اسلام افزایش دهد. اینکه این اتحاد در نهایت به یک ساختار نظامی پایدار تبدیل یا به یک بیانیه پرسر و صدا ختم شود، به یک چیز بستگی دارد؛ اینکه اعضای آن در نخستین بحران واقعی، حاضر باشند هزینه دفاع از یکدیگر را بپردازند یا نه.

فعلاً شواهد بیشتر از آنکه از تولد یک ناتوی جدید خبر بدهند، از تولد یک ائتلاف برای ترساندن رقبا، بدون تمایل واقعی به جنگ حکایت دارند. پرسش واقعی این است که آیا سه کشوری که هر کدام تعریف متفاوتی از منافع ملی خود دارند، حاضرند روزی واقعاً برای یکدیگر بجنگند؟ اگر پاسخ منفی باشد، آنچه در مکه متولد شده بیش از آنکه یک ناتوی جدید باشد، یک تریبون جدید برای قدرت‌نمایی خاورمیانه‌ای است؛ تریبونی پرسر و صدا که ممکن است معادلات سیاسی منطقه را تغییر دهد، اما هنوز فاصله زیادی با تبدیل شدن به یک ماشین جنگی واقعی دارد.

پرونده

تقدیر سفیر امریکا از حذف محتواهای آموزشی ضدصهیونیستی در عربستان

سفیر ویژه امریکا، موسوم به وزیر امور مبارزه با یهودستیزی، از حذف عبارات ضدصهیونیستی از کتاب‌های درسی عربستان سعودی تقدیر کرد. این تغییرات که در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ انجام شده، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌ای داشته است.

خاخام یهودا کاپلون، سفیر ویژه ایالات متحده در امور نظارت و مبارزه با یهودستیزی، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، آشکارا از عربستان سعودی برای اصلاح محتوای کتاب‌های درسی این کشور قدردانی کرد. او در این پیام تأکید کرد که این اقدامات در راستای تقویت صلح و همزیستی مبتنی بر «توافقات ابراهیم» و با الهام از میراث مشترک ابراهیمی انجام شده است. این تقدیرنامه، واکنشی به گزارش تازه مؤسسه «IMPACT-se» (مرکز نظارت بر صلح و مدارا در برنامه‌های درسی) است که در ژوئیه ۲۰۲۶ منتشر شد. این مؤسسه با بررسی ۱۳۶ جلد کتاب درسی مربوط به سال‌های تحصیلی ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، از تغییرات گسترده و بی‌سابقه‌ای در محتوای آموزشی عربستان خبر داد. براساس این گزارش، تقریباً تمامی نمونه‌های محتواهای موسوم به یهودستیزانه که پیش‌تر در کتاب‌های مطالعات اسلامی شناسایی شده بود، به کلی حذف شده است. مارکوس شف، مدیرعامل IMPACT-se، در این باره گفت: «این تغییرات، ادامه روند چهارساله‌ای است که طی آن حجم قابل توجهی از مطالب ضدیهودی از دروس مختلف پاک‌سازی شده است.» او افزود که کتاب‌های جدید، بر مفاهیمی چون تفکر انتقادی، همزیستی و مدارا تأکید دارند.

بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد که اصلاحات انجام‌شده فراتر از تغییرات ظاهری است و شامل حذف عبارت‌ها و مفاهیم کلیدی زیر بوده است: از جمله اینکه اصطلاح «دشمن صهیونیستی» از کتاب تاریخ پایه یازدهم حذف و با عبارت «اشغالگری اسرائیل» جایگزین شده است. جمله «مسلمانان هرگز اورشلیم را تسلیم نمی‌کنند» از کتاب عربی پایه یازدهم حذف شده است. نام «فلسطین» از نقشه‌های مندرج در کتاب‌های مطالعات اجتماعی حذف شده، به‌گونه‌ای که سرزمین‌های اشغالی بدون نام باقی مانده‌اند. یک کتاب درسی مطالعات اجتماعی در مقطع دبیرستان که سرشار از محتوای ضداسرائیلی بود، به طور کامل حذف شده است. همچنین فصل‌هایی درباره «خطر صهیونیستی» و اتهام آتش‌سوزی مسجدالاقصی در سال ۱۹۶۹ به دست صهیونیست‌ها، از محتواهای درسی عربستان حذف شده است؛ کشوری که در واکنش به همین آتش‌سوزی، سازمان همکاری اسلامی را تأسیس کرد. این دگرگونی آموزشی، بخشی از برنامه جامع «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به رهبری محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان، محسوب می‌شود.